علم پیشین الهی و فعل اختیاری انسان ـ علیرضا رحیمیان، سعید رحیمیان
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال سیزدهم، شماره ۵۱ «ویژه عدل الهی»، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۰ـ ۱۳۶

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

علم پیشین الهی و فعل اختیاری انسان

علیرضا رحیمیان*
سعید رحیمیان**

چکیده: موضوع این مقاله علم پیشین الهی و ارتباط آن با فعل اختیاری انسان است. در این راستا، ماهیت و روش پیش‌بینی در بشر مورد دقت و بررسی قرار گرفته، مشخص می‌گردد که علم به فعل اختیاریِ آیندهٔ دیگران، با علوم عادیِ بشری، ذاتاً ممتنع است. همچنین، حقیقتِ وجدانیِ اختیار از یک طرف، و عمومیت علمِ ازلیِ الهی از طرف دیگر مورد تأکید قرار می‌گیرد و بیان می‌گردد که حتی برخی افراد بشر، پیشاپیش از برخی افعال اختیاری آینده خبر داده‌اند. و صدق آن نیز آشکار شده است. نتیجهٔ نهاییِ حاصل از این مباحث، این است که آگاهیِ ازلیِ خداوند متعال از افعال اختیاری بندگان از یک طرف، و امتناع ذاتیِ پیش‌بینیِ افعال اختیاری با علوم بشریِ مخلوقی از طرف دیگر، اثبات می‌کند که علم خداوند متعال، ذاتاً با علوم مخلوقیِ بشری متباین است. بر این اساس، تمام پیش‌بینی‌های افعال اختیاری در بشر نیز، به ناچار مبدأ غیر مخلوقی داشته و صرفاً به اِخبار خداوند متعال، از علم خویش باز می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: علم پیشین الهی؛ اختیار انسان؛ قدرت پیش‌بینی بشری؛ لزوم ثبوت معلوم؛ اخبارِ خداوند متعال به معصومین علیهم‌السلام.

---

*. دکترای عرفان اسلامی.
**. کارشناس ارشد کلام و عقاید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

مقدمه

امکان و کیفیت علم پیشین الهی به افعال اختیاری، مسأله‌ای است که از دیرباز، فکر خداباوران را به طور جدّی به خود مشغول کرده است. از یک طرف باید خدای متعال را از هر گونه جهل و نادانی - از جمله نسبت به افعال اختیاری بندگان- تنزیه کرد، و از طرف دیگر، تا آن جا که بشرِ مخلوق به حقیقت علم دسترسی دارد، تصویر کردن و نشان دادنِ علمی که بتواند قبل از انجام فعل اختیاریِ دیگران، آن را به طور دقیق و با لحاظ تمام جزئیاتِ آن پیش‌بینی کند، حقیقتا مشکل و دور از دسترس می‌نماید. در عین حال، هیچ یک از طرفین این مسأله نیز قابل انکار نیست؛ نه می‌توان اختیار حقیقی[۱] و قدرت فاعل مختار بر انتخاب هر یک از طرفین فعل و یا ترک در آستانهٔ انجام فعل را منکر شد، و نه می‌توان خدای متعال را نسبت به افعال اختیاری جاهل دانست. از این گذشته، حتی اطلاع از فعل اختیاری دیگران قبل از انجام، منحصر در علم الهی نیز نبوده و برخی افراد در طول تاریخ با دست‌یابی به منابعی- ورای علوم عادی بشری- توانسته‌اند از بعضی اعمال اختیاری دیگران – بدون اینکه تردیدی در اختیاری بودن آنها وجود داشته باشد- قبل از انجام، و به طور صحیح و دقیق خبر دهند.[۲]

در این مقاله، سعی می‌شود که صورت اشکال به طور صحیح و شفاف تبیین شود و سپس خاستگاه و ریشهٔ آن مشخص گردد. این تبیین، کمک خواهد کرد

---

۱. مباحث این مقاله، بر اساس وجود اختیار حقیقی در انسان شکل گرفته است. مقصود از «اختیار حقیقی»، این است که فاعل مختار، واقعا بتواند در آستانه‌ی انجام فعل، هر یک از طرفین فعل و یا ترک را برگزیند و هیچ عامل درونی یا بیرونی، وی را مُلزَم به گزینش یکی از این گزینه‌ها نکند. بنابراین، اگر کسی در اصل وجود چنین کمالی، اشکال و یا شک و شبهه‌ای دارد، در حقیقت، مخاطبِ مقاله‌ی حاضر نیست و باید قبل از مطالعه‌ی آن، موضوع اختیار را از نظر علمی، حلّ و فصل کرده باشد. برای مطالعه بیشتر در خصوص مبحث جبر و اختیار، می‌توانید رجوع کنید: علیرضا رحیمیان، مسأله‌ی اختیار، دلیل ما.

۲. باید دانست که منشأ تمام این علوم در بشر نیز، علم الهی است، که باید در محل مربوطه، به آن پرداخته شود.

تا در مقام پاسخ‌گویی به شبههٔ مذکور، موضعی دقیق‌تر و صحیح‌تر اتخاذ کرده، و کارآمدی یا ناکارآمدی پاسخ‌های ارائه شده از سوی اندیشمندان مختلف را بهتر مشخص کنیم. البته در انتهای مقاله، به راه حل صحیح اشکال، اشاره‌ای خواهد شد، امّا تفصیل، تبیین کامل، و پرداختن به ابعاد مختلف این پاسخ، از گنجایش مقالهٔ حاضر، خارج است و امید است در مقالاتی دیگر، به این مهم پرداخته شود.

قدرت پیش‌بینی در بشر

اگر در مورد حوادثی که هنوز زمان آن نرسیده است، دقت کنیم، می‌بینیم که پیش‌بینی دقیق برخی از آنها برای بشر ممکن است. مثال روشن این گونه امور، اتفاقات نجومی است. محاسبات نجومی، این امکان را می‌دهد که فرضاً بگوییم پنج سال دیگر، خسوفی به وقوع خواهد پیوست. به همین ترتیب، جزئیات آن نیز قابل محاسبه است؛ مثلا معلوم است که این پدیده، در ایران قابل رؤیت بوده، حداکثر میزان گرفتگی ماه، چهل درصد و طول زمان آن، دو ساعت است. شناخت موقعیت کرات آسمانی نسبت به یکدیگر و وضعیت حرکت آنها، امکان این پیش‌بینی و موارد مشابه آن را به ما می‌دهد.

یا مثلا اگر سنگی را پرتاب کنیم، شاید در همان لحظه ندانیم که تا کجا پیش خواهد رفت و در چه نقطه‌ای فرود می‌آید. اما اگر عوامل مؤثر در حرکت از قبیل وزن و شکل هندسیِ سنگ، میزان و جهت نیروی وارد به آن، مقاومت هوا و سایر پارامترهای مؤثر و نحوهٔ تأثیر هر یک از آنها در حرکت سنگ، برای‌مان مشخص باشد، می‌توانیم منحنی مسیر آن را دقیقاً ترسیم کرده، حداکثر ارتفاع، مختصات نقطهٔ فرود و سایر جزئیات مربوط را مشخص کنیم.

در این دو مثال، هر اندازه اطلاع ما از عوامل، و اشراف‌مان نسبت به آنها بیشتر باشد، پیش‌بینی دقیق‌تری خواهیم داشت. به همین ترتیب، خطاهای احتمالی نیز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

به ضعف محاسبات و لحاظ نشدن برخی عوامل مستند می‌شود. مثلاً می‌گوییم مقاومت هوا بیش از میزان لحاظ شده در محاسبات بوده و همین عامل، باعث شده است که پرتابهٔ مورد نظر، کمتر از آنچه انتظار می‌رفت، اوج بگیرد. یا می‌گوییم پرنده‌ای در حال پرواز بوده و با برخورد به این سنگ، به طور کلی مسیر آن را تغییر داده است. یعنی عامل غیر منتظره‌ای پیش آمده و لحاظ نشدنِ آن در محاسبات، نتیجهٔ پیش‌بینی را با خطا مواجه کرده است.

اما به نظر می‌رسد اگر بحث به جای حرکت کرات آسمانی یا پرتاب سنگ و امثال این‌ها، در مورد حرکت اختیاری یک انسان مطرح شود، مسأله متفاوت خواهد شد. مثلا کسی را تصور کنید که در حال قدم زدن و پیاده‌روی است. عجله‌ای ندارد، تحت فشار نبوده و کاملا به دلخواه خود عمل می‌کند. آیا می‌توانیم پیشاپیش، منحنی حرکت وی را نیز – مانند منحنی حرکت سنگِ پرتاب شده– ترسیم کنیم؟! آیا امکان پیش‌بینی مسیر، سرعت، مسافت و سایر خصوصیات حرکت وی وجود دارد؟

به نظر می‌رسد، وقتی بحث از فعل اختیاری باشد، صورت مسأله به کل تغییر می‌کند و اساساً امکان پیش‌بینی با مشکل مواجه می‌شود. یک انسان مختار، آزاد است که در همین لحظه به سمت مبدأ حرکتش باز گردد، یا اینکه صد متر دیگر پیش برود، یا توقف کند و بنشیند، یا به مغازه‌ای که در مسیرش قرار دارد برود و یا ... . با این اوصاف، چگونه می‌توان فعل وی را از قبل معین کرد؟ وقتی او آزاد است که بر خلاف همهٔ گمانه‌زنی‌های یک ناظر بیرونی عمل کند، جایی برای پیش‌بینیِ قطعی و خطاناپذیرِ فعلش باقی نمی‌ماند. این بدان معناست که وارد شدن عنصر «اختیار»، همهٔ معادلات را بر هم زده، اساساً امکان پیش‌بینی را زیر سؤال می‌برد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

در این حالت نمی‌توان گفت که عامل جدیدی به نام «آزادی» به مجموعه عوامل مؤثر در حرکت انسان مختار، اضافه شده و باید آن را هم در محاسبات خود لحاظ کنیم، بلکه به طور کلی، قابلیت پیش‌بینی زیر سؤال رفته و از بنیان، با ابهام و اشکال مواجه شده است.

برای روشن‌تر شدن مسأله می‌توانیم در مثال خسوف و حرکت پرتابی، فرض کنیم که کرهٔ ماه و یا سنگ، مختار باشند و در این حالت، دوباره امکان پیش‌بینی را بررسی کنیم. وقتی سنگ اختیار داشته باشد، می‌تواند – مثلاً- دو ثانیه قبل از رسیدن به زمین، مسیر خود را عوض کند و یک متر جلوتر یا عقب‌تر فرود بیاید. هر اندازه هم که محاسبات خود را دقیق و دقیق‌تر کنیم، این مشکل برطرف نخواهد شد، زیرا مسأله به کمبود اطلاعات ما از علل و عواملِ مؤثر بر حرکتِ سنگ، برنمی‌گردد. هر چند ما همه پارامترها را هم دقیقاً لحاظ کرده باشیم، اما سنگِ مختار، به پشتوانهٔ آزادیِ خود، در همان شرایط، مسیر خود را تغییر می‌دهد و به سمتی دیگر می‌رود. پس وجود عنصر «حرّیت»، اساساً توان پیش‌بینی را از ما سلب می‌کند و از این رو، فعل اختیاریِ دیگران، هرگز در تیررس علم ما قرار نمی‌گیرد.

تفاوت جهل در نظام ضروری، با جهل به فعل اختیاری

دقت در مثالهای بیان شده، ما را به این واقعیت راهنمایی می‌کند که جهل ما نسبت به وقایع آینده، همگی از یک سنخ نیستند. مثلاً در مورد بحث خسوف، ممکن است کسی به دلیل اینکه محاسبات نجومی را نیاموخته و مدارهای حرکت اجرام سماوی در فضا را به درستی نمی شناسد، به اشتباه بیفتد، همچنین در مورد تعیین مسیر پرتابه و مکان فرود آمدن آن، ممکن است میزان نیروی وارد بر سنگ، یا مقاومت هوا را نداند. این جهل به علل و عوامل مؤثر بر حرکت و یا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

جهل نسبت به روابط آنها با پدیدهٔ مورد نظر، طبیعتاً باعث می‌شود که او نتواند پیش‌بینی‌های مذکور را انجام دهد. اما مسأله مهم این است که وی این امکان را دارد که با منظور کردن کامل عوامل و روابط آنها، جهل خود را مرتفع کرده، و مثلا میزان اوج گرفتن پرتابه را دقیقاً پیش‌بینی کند. در حقیقت، پیش‌بینی برای چنین فردی «فعلا» ممکن نیست، اما یادگیریِ محاسبات مربوطه و لحاظ همهٔ پارامترها، این امکان را برای او فراهم می‌کند که به سادگی به پیش‌بینی قطعی و خطاناپذیر دست یابد. به تعبیر دیگر، علم پیدا کردن به این گونه پدیده‌ها، «ذاتاً ممکن و شدنی است» و جهل در این زمینه، با اشراف پیدا کردن به همهٔ جوانب مطلب، قابل برطرف شدن است.

اما وقتی حالت دوم را در نظر بگیریم،- که در آن، سنگ از عنصر اختیار بهره‌مند است- باز هم می‌گوییم امکان پیش‌بینی برای ما وجود ندارد، اما این نوع ناتوانی، ناشی از جهل ما نسبت به علل و عوامل دخیل در حرکت سنگ نیست. حتی اگر از تمام پارامترهای مؤثر نیز آگاه شویم، هم‌چنان پیش‌بینی ممتنع است، زیرا اساساً تعیین کنندهٔ میزان اوج گرفتن یا محل فرود آمدن پرتابه، علل و عوامل بیرونی و محیطی نیستند، بلکه تعیین کنندهٔ نهایی، خودِ سنگ است که به دلخواه، مختصات و مسیر حرکتش را مشخص می‌کند. آزادی سنگ باعث می‌شود که هیچ الگوی از پیش تعیین شده‌ای نباشد که ما بخواهیم به آن پی‌برده و از طریق آن، مختصّات حرکت را پیش‌بینی کنیم. وقتی محل فرود، هیچ ثبوتی نداشته، و همه چیز در لحظهٔ آخر و به اختیار خودِ سنگ مشخص می‌شود، چه چیزی را می‌توانیم با محاسباتِ خود بدست آوریم؟! اساساً چیزی معین نشده تا قابل دست یافتن – حتی از طریق احاطه به تمام علل و عوامل- باشد. تنها راهِ دانستنِ مکان فرود پرتابهٔ مختار، این است که صبر کنیم تا خود، محل برخوردش به زمین را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

تعیین کند، و ما آن را بفهمیم. یعنی پیش‌بینی در چنین حالتی، «ذاتاً نشدنی و غیرممکن بوده» و این امتناع، برای ما برطرف شدنی نیست.

در نتیجه اگر کسی به یک نظام ضروری و جبری اِشراف داشته باشد و بتواند تمامی عوامل مؤثر را ببیند و رصد کند، می‌تواند تمام وقایع آیندهٔ آن نظام را پیش‌بینی نماید. هر پدیده با تمامی جزئیات خود، ناشی از علتِ معینِ خویش است و پدیده‌های چنین سیستمی، چیستیِ خود را از مجموعه شرایط و عوامل دارند. لذا با شناخت همهٔ شرایط، می‌توان از امور آینده مطلع شد. اما اگر برخی پدیده‌های یک نظام، افعالِ حقیقتاً اختیاری باشند[1]، این‌گونه پیش‌بینی‌ها ممتنع است، زیرا چیستیِ افعال اختیاری را فقط فاعل آن، از روی آزادی و حریتی که دارد رقم می‌زند و سلسله علل، تعیین کنندهٔ ماهیت آن افعال، نیستند. به تعبیر دیگر «جهل در نظام ضروری، برخاسته از جهل نسبت به عوامل بوده، و بر طرف شدن آن، ذاتاً ممکن است؛ اما جهل در خصوص فعل اختیاری، به این دلیل است که فعل تا قبل از انجام، هنوز به هیچ وجه مشخص و معین نشده، و ذاتاً پیش‌بینی ناپذیر است».

قانون‌مندی، فقط در فرض ضروری بودن پدیده‌هاست

راه یافتن عنصر اختیار، پیش‌بینی‌های ما را از اساس متزلزل می‌کند. این تزلزل ناشی از نشناختن چند پارامتر مؤثر بر حادثه نیست، بلکه بحث، از «امتناع ذاتیِ تعلّقِ علم» است. این امتناع، از مشخص نبودن و قابل تغییر و تبدیل بودنِ معلوم بر می‌خیزد. اگر قرار باشد که دو ماده شیمیایی که در آزمایشگاه با یکدیگر مخلوط شده‌اند، مختار باشند که در شرایط یکسان، گاهی واکنش شیمیایی دهند،

۱. نه اینکه نام اختیاری بر آن بگذاریم، امّا آن را نیز مانند پدیده‌های جبری، نتیجه‌ی ضروریِ عوامل و شرایط تلقی کنیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

و گاهی هم واکنشی ندهند، آیا می‌توان به طور قطعی گفت که در نوبت بعدیِ آزمایش، واکنشی صورت خواهد گرفت یا نه؟! مشخص است که در این صورت هیچ راهی به فهمیدن نتیجه نخواهیم داشت. لازمه پیش‌بینیِ نتیجه، این است که به طور ضروری، حاصل هر دو یا چند مادهٔ مشخص، یک ترکیب خاص، معین، و مشخص باشد. در این صورت است که چند بار آزمایش کرده و به طور استقرایی می‌گوییم که از این مواد با هم واکنش می‌دهند و فلان ماده را تولید می‌کنند.

دقت شود که در اینجا بحث صحّت و سقم فرمول‌ها و روابطی که دانشمندان تجربی بدست آورده‌اند مطرح نیست. چه بسا بعضی از این فرمول‌ها فقط در شرایطی خاص صادق باشند یا در طول تاریخ علم، تغییراتی کرده و در آینده نیز دچار بازبینی‌هایی شوند. بحث ما در این باره است که اگر قرار باشد ما بتوانیم در مواردی، آینده را بصورت قطعی (و نه با حدسیات و احتمالات) پیش‌بینی کنیم، باید معلومِ ما در فضایی ضروری قرار داشته باشد. و در چنین فضایی است که بشر سعی می‌کند با دستیابی به عوامل دخیل در یک پدیده، آن را از قبل رصد کند. همین فرمولها و محاسبات و پیش‌بینی‌ها، پایه‌ای است که حوادث نجومیِ آینده، بر اساس آن تعیین می‌شود و سفینه‌ها را به فضا فرستاده، آن را کنترل و هدایت می‌کنند و از نتیجهٔ ترکیب دو ماده با هم، – قبل از ترکیب کردنِ آنها– اطلاع می‌دهند و مسافران هواپیما را هزاران کیلومتر به سلامت جابجا می‌کنند و امثال این دستاوردهای علوم بشری را به ارمغان می‌آورند. اگر هم در جایی خطایی در زمان خسوف یا حرکت فضاپیما حاصل شود، یا هواپیما سقوط کند، آن خطا را به «جهل، یا بی‌دقتی نسبت به برخی عوامل» نسبت می‌دهند و می‌کوشند که این خطاها را با لحاظِ هر چه بیشترِ عواملِ دخیل در پدیده، و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

شناختن صحیح‌ترِ روابطِ آنها، کاهش دهند. امّا همین مقدار از قدرت پیش‌بینی نیز در مورد فعل اختیاری دیگران وجود ندارد.

به هر حال، ابتنای بر نظام ضروری و قطعی، در سایر قواعد و قوانین علمی هم وجود دارد. در مثال حرکت پرتابی سنگ، دیدیم که مادام که اختیار وجود نداشت، قوانین حرکت پرتابه‌ها حاکم بود و می‌توانستیم با استفاده از آنها، مشخصات حرکت سنگ را تعیین کنیم، اما به محض اینکه برای سنگ، اختیار و آزادی در نظر گرفتیم، هیچ قاعده و قانونی نتوانست حرکت آن را رصد کند. حال باید پرسید که اگر به طور کلی، اجسامی که پرتاب می‌شوند، دارای اختیار باشند، آیا اساساً می‌توان فرمولی برای حرکت آنها صورت‌بندی کرد؟ آیا برای حرکتی که هر بار ممکن است به نحو غیر منتظره‌ای انجام شود، می‌توان قانونی در نظر گرفت؟ روشن است که پاسخ، منفی است.

بنابراین، «قانونمندی» و «فرموله شدن» و «قابل محاسبه بودن»، فقط در جایی است که هر وضعیت مشخص و معین، یک اثر ویژه و غیرقابل تغییر و تبدیل داشته باشد. لذا پیش‌بینی‌هایی که از طریق شناخت علل و عوامل و به وسیلهٔ قانونها و فرمولها و محاسبات انجام می‌شود نیز، فقط در نظام ضروری کارآیی دارد. اگر از یک مجموعه شرایط خاص، دو یا چند پدیدهٔ مختلف و غیرمشخص بتواند به وجود آید، اساس پیش‌بینی‌های بشری، زیر سؤال می‌رود و کارآیی خود را از دست می‌دهد. لذاست که «فعل اختیاری، فرمول و قانون و محاسبه نمی‌پذیرد» و در نتیجه، پیش‌بینی آن با علوم و روشهایی که در دسترس ماست، غیرممکن است.

استاد مطهری نیز به همین مطلب اشاره کرده، می‌فرمایند:

لازمه قانون علّیت این است که وقوع حادثه‌ای در شرایط مخصوص مکانی و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

زمانی خودش قطعی و حتمی و غیر قابل تخلّف بوده باشد، همان طور که واقع نشدن او در غیر آن شرایط نیز حتمی و تخلّف ناپذیر است. علوم، قطعیّت خود را مدیون همین قانون‌اند. قدرت پیش‌بینی‌های علمیِ بشر، تا حدودی است که به علل و اسباب آشنا باشد. (مطهری، مجموعه آثار (انسان و سرنوشت)، ج ۱، ص ۳۸۷)[۱]

عامل ضرورت، حتّی برای پیش‌بینی‌های ساده و روزمره و فاقد فرمول‌های علمی هم لازم است. مثلا ما در ساعت دوازده ظهر و در تهران، به راحتی می‌گوییم: «تا ده ساعتِ دیگر، قطعا خورشید غروب کرده است». در اینجا اگرچه فرمولی بیان نشده، اما قانون‌مندیِ غروبِ خورشید هم فرع بر جبری بودن آن است. اگر نظام را ثابت فرض نکرده باشیم، بیانِ همین اتفاقات سادهٔ آینده نیز غیر ممکن خواهد بود. چرا که در آن صورت، شاید از این به بعد، خورشید هر چهل و هشت ساعت یک بار طلوع و غروب کند!

مثال دیگر: فرض کنید یک مزرعهٔ گندم، دچار حریق شده و آتش در سراسر آن شعله‌ور است و خبری هم از باران و یا اطفاء حریق و امثال آن در بین نیست. می‌گوییم «این آتش مهیب و عظیم، مزرعهٔ گندم را خاکستر خواهد کرد». اما اگر آتش را مختار فرض کنیم که بتواند به اختیار خود، برخی خوشه‌ها را سوزانده و برخی را نسوزاند، آیا باز هم می‌توان چنین اظهار نظری کرد؟ معلوم است که این کار ممکن نیست، چون علم ما بر اساس «ضرورت سوزانندگی آتش» شکل گرفته است. در صورتی که اگر آن را مختار فرض کنیم، ممکن است از روی

۱. در این بیان، ایشان ضرورت حاکم بر نظام عالم را به اصل علیت مستند می‌کنند. البته عمومیت ضرورت علّی- معلولی در مورد همه پدیده‌ها (اعم از افعال اختیاری و غیر اختیاری)، مورد بحث و تأمل و اختلاف نظر جدّی است. بحث تفصیلی در این خصوص، موضوع این نوشتار نیست. آنچه فعلا مدّ نظر است، دیدگاه ایشان درباره‌ی ماهیتِ پیش‌بینی‌های بشری است که مبتنی بودنِ امکانِ آن بر ضرورت پدیده‌ها، کاملا در این بیان قابل مشاهده است. چنانچه گذشت، برای بررسی نسبت ضروری علی- معلولی با اختیار، می توانید به کتاب «مسأله‌ی اختیار» مراجعه کنید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

اختیار خود، بخشی از مزرعه را نسوزاند و لذا نمی‌توان گفت که کدام خوشه می‌سوزد و کدامیک، سالم خواهد ماند.

علوم بشری، محتاج نوعی «ثبوتِ معلوم» است

از مجموع آنچه گذشت، این مطلب به دست می‌آید که برای آنکه بتوانیم به چیزی علم پیدا کنیم، باید آن معلوم، به نوعی مشخص، معین و ثابت باشد. علم یافتن به چیزی که تا لحظهٔ پدید آمدن، قابل تغییر و تبدیل (و به تعبیری، «لغزنده») بوده، و امکان دو یا چند حالت مختلف دارد، برای ما غیرممکن و به تعبیری، بی‌معنا است. این ثبوت، در مورد وقایع گذشته، وجود دارد؛ هر پدیده‌ای، به نحوی خاص پدید آمده و غیر قابل تغییر و تبدیل است. البته ممکن است ما بسیاری از رویدادهای گذشته را ندانیم؛ اما این جهل، ناشی از امتناع ذاتیِ آن نیست، بلکه ناشی از محدودیت ما در زمان و مکان و عوامل دیگر است. در خصوص وقایع آینده نیز، اگر به نحوی نسخه‌ای یا تصویری از آن موجود باشد، باز هم ثبوت لازم صورت گرفته و مشکلی در علم به آن وقایع وجود ندارد. همچنین اگر نسخه‌ای از آن وقایع موجود نباشد، اما پدیده‌ها محکوم به ضرورت باشند و به طور جبری از علل و عوامل خود صادر شوند، باز هم نوعی ثبوت وجود دارد و علم یافتن به آنها ممتنع نیست. به تعبیری در تمام این موارد، معلوم، «قابل لحاظ کردن» است و می‌توان «به آن نظر کرد» و «از آن، در ظرفِ خود، با خبر شد». اما اگر معلوم حتی ثبوت ضروری هم نداشته باشد (یعنی جبر و ضرورتی بر آن حاکم نبوده و بتواند یکی از دو یا چند حالت مختلف داشته باشد)، علم یافتن به آن محال است.

ما در حالت سلامت و هشیاری، در خود توان علم پیدا کردن به برخی امور را می‌بینیم. اما مطلب مهم این است که برای عالم شدن به چیزی، تنها، «توان فهم و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

درک» در شخصِ عالِم، کافی نیست، بلکه باید آن شیء نیز قابلیت معلوم واقع شدن و درک و فهم شدن را داشته باشد تا علم به آن تعلق گیرد و فهمی‌حاصل شود. لذا فعل اختیاری که تا زمان انجام شدنش هیچ تقرّری ندارد و هرگونه معین کردن و مشخص نمودنِ آن، فقط به دست فاعل (آن هم در حین انجام فعل) است، اساساً امکان معلوم واقع شدن ندارد. در پیش‌بینیِ یک فعل اختیاری، هنوز چیزی مشخص نیست که قابل لحاظ کردن یا نظر کردن یا محاسبه کردن و به تور علم در آوردن باشد.

بیان مطلب در قالب تمثیل

برای روشن‌تر شدن مطلب می‌توان در مقام تمثیل، عالِم را مانند کسی در نظر گرفت که در حال راه رفتن است و چراغی در دست دارد که در پرتو نور آن، اشیاء پیش روی خود را تا فاصلهٔ چند متری می‌بیند. هر شیئی که در معرض نور قرار می‌گیرد، برای این فرد، مشهود است. هر چه نور چراغ قوی‌تر باشد، شعاع دید وی بیشتر می‌شود و سنگ و درخت و پستی و بلندی و پرتگاههای مسیر را بیشتر می‌بیند. اما هر اندازه هم که چراغ وی قوی باشد، آیا می‌تواند «چیزی را که در مقابلش نیست» ببیند؟! «آنچه نیست» اساساً قابلیت رؤیت شدن ندارد. دقت شود که بحث، از ضعیف بودن نور یا عدم توجه فرد نیست. ممکن است مسیر، تا دهها متر جلوتر هم روشن، و اشیاء موجود در آن قابل رؤیت باشد، اما مادام که هنوز چیزی وجود ندارد و مطرح نشده است، چگونه می‌توانیم آن را در معرض نور قرار دهیم؟! روشنگری چراغ، وقتی مُثمرِ ثمر است که شیئی در مقابل آن باشد تا روشن شود، اما آنچه اصلاً به هیچ وجه مشخص و معین و موجود نیست، طبیعتاً در تیررس نور قرار نمی‌گیرد و قابل مشاهده هم نخواهد بود.

برای حصول علم و آگاهی در ما نیز، علاوه بر توان فهم –که با قدری مسامحه،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

مانند چراغِ مذکور است- معین و مشخص بودن معلوم نیز لازم است. فعل اختیاری - که هیچ ثبوتی قبل از انجام شدن ندارد، و در برهه‌ای خاص به دست فاعل به وجود می‌آید- اساساً قابلیت مشاهده شدن ندارد و مانند شیئِ به تمام معنا معدوم و نامشخص است که هرگز با استفاده از نور چراغ دیده نمی‌شود، هرچند این نور، قوی باشد. بدین روی می‌گوییم فعل اختیاری، ذاتاً امکانِ قرار گرفتن در تیررس علوم ما را ندارد و پیش‌بینی آن برای ما ممتنع است. نباید فراموش کرد که هر گونه «مشخص و معین و ثابت کردن فعل، قبل از انجام»، به معنای سلبِ قدرت و آزادیِ حقیقی فاعل بوده و لازمهٔ آن، مُلزَم و مجبور ساختنِ اوست.

با توجه به مطالبی که گذشت، به نظر می‌رسد هر چه در مورد علم پیشین به فعل اختیاریِ دیگران، بیشتر دقّت و کَندوکاوِ معرفتی کنیم، نه تنها راهی برای آن نمی‌یابیم، بلکه فقط به حیرت‌مان افزوده می‌شود و اطمینان‌مان به غیرممکن بودن آن محکم‌تر می‌شود.[1]

از سوی دیگر، معتقدیم که خداوند متعال، از ازل، به هیچ چیز- از جمله افعال اختیاری بندگان- جاهل نبوده و تمام جزئیات افعال ما برای او آشکار است. جمع بین این دو مطلب، بسیار مشکل می‌نماید. برای تبیین بهتر اشکال، مناسب است که نگاهی مختصر به بحث فراگیری و عمومیت علم الهی بیافکنیم و برخی

۱. مجدداً تأکید می‌گردد که اختیار حقیقی و قدرت واقعی –که در یک شرایط معیّن، امکان انتخاب هر یک از طرفین فعل و یا ترک را به انسان می‌دهد- پیش فرض مقاله‌ی حاضر است. بر این اساس، مشخص می‌شود که پیش‌بینی‌های رفتار انسان‌ها بر اساس شرایط و عواملِ حاکم بر فرد، (نظیر آنچه در روان‌شناسی صورت می‌گیرد)، یا صرفاً به صورت احتمالی و ظنّی قابل پذیرش‌اند (که از پیش‌بینیِ قطعیِ موضوعِ این مقاله خارج است)، و یا اگر ادعا شود که بر اساس شرایط، پیش‌بینیِ قطعی انجام می‌شود، این دیدگاه، با روح اختیار واقعی مناقض بوده، خلاف پیش فرض این نوشتار است؛ چرا که شرایط، تعیین کننده‌ی فعل نیستند، بلکه تنها و تنها خودِ فاعل مختار، فعل خویش را معیّن و مشخص می‌کند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

خبرها از افعال اختیاری را مرور کنیم تا موضع سؤال، مشخص‌تر و شفاف‌تر گردد.

هیچ جهلی در خداوند متعال راه ندارد

اگرچه در تبیین نحوهٔ علم خدای متعال به جزئیات، در بین اندیشمندان و خداباوران اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ اما اصل اعتقاد به اینکه هیچ امری بر خدای متعال پوشیده نیست، از پایه‌ای‌ترین اعتقادات توحیدیِ اسلامی است. خدایی که از امور مخلوقات خویش بی‌اطلاع باشد، در حقیقت، خدا نیست. گذشته از ادلهٔ عقلی که بر این مطلب اقامه شده است، قرآن و احادیث نیز بر این مطلب پای می‌فشارند که خداوند متعال، همه چیز را می‌داند و هیچ جهلی در او راه ندارد. پنهان و آشکار برای او تفاوتی نمی‌کند، به امور جزئی و افعال بندگان خویش آگاه است و بود و نبود معلوم، در علم او تفاوتی ایجاد نمی‌کند. همچنین علم الهی، ازلی و سابق بر اشیاء است.

نکات یاد شده، از آیات و احادیث زیر، استفاده می‌شود:

۱- وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيم (بقره/۲۳۱)،

۲- ... وَ اللَّهُ نُورٌ لَا ظَلَامَ فِيهِ وَ حَيٌّ لَا مَوْتَ لَهُ وَ عَالِمٌ لَا جَهْلَ فِيهِ وَ صَمَدٌ لَا مَدْخَلَ فِيهِ رَبُّنَا نُورِيُّ الذَّاتِ حَيُّ الذَّاتِ عَالِمُ الذَّاتِ صَمَدِيُّ الذَّاتِ.[۱] (صدوق، توحید، ص۱۴۰)

۳- إِنْ تُبْدُوا شَيْئاً أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيما (احزاب/۵۴)

۴- قَسَمَ أَرْزَاقَهُمْ وَ أَحْصَى آثَارَهُمْ وَ أَعْمَالَهُمْ وَ عَدَدَ أَنْفُسِهِمْ وَ خَائِنَةَ أَعْيُنِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ مِنَ الضَّمِيرِ وَ مُسْتَقَرَّهُمْ وَ مُسْتَوْدَعَهُمْ مِنَ الْأَرْحَامِ وَ الظُّهُورِ إِلَى أَنْ تَتَنَاهَى بِهِمُ

۱. و خدا نوریست که ظلمتی در آن نیست و زنده‌ایست که مرگی در آن نیست و عالمی که جهلی در آن نیست و صمدی که مدخلی در آن نیست و زنده‌ایست پروردگار ما نوری الذات وحی الذات و عالم الذات و صمدی الذات است. (اسرار توحید / ترجمه التوحید للصدوق، ص: ۱۳۵)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

الْغَايَات[1] (شریف رضی، نهج البلاغه، ص۱۲۳)

۵- وَ هُوَ الَّذي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ وَ يَعْفُوا عَنِ السَّيِّئاتِ وَ يَعْلَمُ ما تَفْعَلُون (شوری/۲۵)

۶- ... كَانَ رَبّاً إِذْ لَا مَرْبُوبَ وَ إِلَهاً إِذْ لَا مَأْلُوهَ وَ عَالِماً إِذْ لَا مَعْلُومَ وَ سَمِيعاً إِذْ لَا مَسْمُوعَ.[2]
(کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۳۹)

۷- مَا زَالَ اللَّهُ عَالِماً تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذِكْرُهُ. (همان، ص ۱۰۸)

۸- عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَ رَأَيْتَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَ لَيْسَ كَانَ فِي عِلْمِ اللَّهِ قَالَ فَقَالَ بَلَى قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ.[3]
(صدوق، توحید، ص ۱۳۵)

خداوند متعال، از ازل، از افعال اختیاری بندگان آگاه است

بنا بر آنچه گذشت، باید جهلِ سابق نسبت به فعل اختیاری بندگان - با لحاظ تمام جزئیات آن- را نیز از خدای متعال نفی کرد. او دقیقاً می‌داند که فاعل، کدام گزینه را به اختیار خویش برخواهد گزید و در قرآن کریم نیز، از برخی افعال اختیاری که هنوز به وقوع نپیوسته است، خبر داده است.

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ * وَ لا تَكُونُوا كَالَّذينَ قالُوا سَمِعْنا وَ هُمْ لا يَسْمَعُونَ * إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذينَ لا يَعْقِلُونَ * وَ لَوْ عَلِمَ اللهُ فيهِمْ خَيْراً لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ (انفال/ ۲۰-۲۳)

۱. روزیهای موجودات را تقسیم، و آثار و اعمالشان و عدد نفس‌هاشان را حساب نموده، و به خیانت چشمها آگاه، و به آنچه در سینه پنهان می‌کنند داناست، و به قرارگاهشان در ارحام، و گذرگاهشان در اصلاب تا به نهایت سیر خود برسند بصیر است. (نهج البلاغه / ترجمه انصاریان، ص: ۱۸۳)

۲. او پروردگار بود آنگاه که پروریده‌ای نبود و شایان پرستش بود زمانی که پرستیده‌ای نبود، دانا بود و هنوز دانسته‌ئی وجود نداشت، شنوا بود گاهی که آواز قابل شنیدنی موجود نبود. (أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج۱، ص: ۱۸۹)

۳. از منصور بن حازم از حضرت صادق علیه‌السلام که گفت به آن حضرت عرض کردم که مرا خبر ده که آنچه بوده و آنچه خواهد بود تا روز قیامت آیا چنان نیست که در علم خدا بوده باشد راوی می‌گوید که حضرت فرمود بلی پیش از آنکه آسمانها و زمین را بیافریند. (اسرار توحید / ترجمه التوحید للصدوق، ص: ۱۲۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

خداوند می‌داند که اینان اگر شنوا هم می‌شدند، روی می‌گرداندند و اعراض می‌کردند.

همچنین برخی دوزخیان اظهار می‌کنند که ای کاش بازگردانده می‌شدیم تا در زندگیِ جدیدمان، آیات الهی را دروغ نمی‌شمردیم، بلکه ایمان می‌آوردیم. ولی خداوند می‌فرماید که اینان اگر بازگردانده شوند هم، قطعاً به آنچه از آن نهی شده‌اند باز می‌گردند.

وَ لَوْ تَرى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقالُوا يا لَيْتَنا نُرَدُّ وَ لا نُكَذِّبَ بِآياتِ رَبِّنا وَ نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ * بَلْ بَدا لَهُمْ ما كانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ (انعام/ ۲۷-۲۸)

اما خدای متعال، چگونه از فعلی که هنوز در هیچ ظرفی، ثبوت ندارد (نه وجود دارد و نه تصویری از آن هست و نه ضرورتی بر آن حاکم است)، به طور قطعی خبر می‌دهد؟ آیا این کار با علومی که ما داریم و می‌شناسیم، امکان‌پذیر است؟ به نظر می‌رسد تا زمانی که فعلِ سوءِ این افراد - به نحوی از انحاء- مشخص و معیّن نشده باشد، برای ما قابل پیش‌بینی نیست و البته همین «نحوه‌ای ثبوت»، اختیار را زائل کرده، صورت مسأله را تغییر می‌دهد و لذا قابل پذیرش نیست. اما خداوند، از همین افعالی که فاقد هرگونه تقرّرِ پیشین هستند، آگاه است و از آن خبر می‌دهد.

به هر حال باید تأکید کرد که هیچ فعل اختیاریِ بندگان نیست که قبل از انجام - حتی جزئیاتش- بر خداوند متعال پوشیده باشد.

در رسالهٔ امام هادی علیه‌السلام در ردّ جبر و تفویض در این زمینه آمده است:

... فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَلَمْ يَعْلَمِ اللَّهُ مَا يَكُونُ مِنَ الْعِبَادِ حَتَّى اخْتَبَرَهُمْ قُلْنَا بَلَى قَدْ عَلِمَ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ قَبْلَ كَوْنِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّمَا اخْتَبَرَهُمْ لِيُعَلِّمَهُمْ عَدْلَهُ وَ لَا يُعَذِّبَهُمْ إِلَّا بِحُجَّةٍ بَعْدَ الْفِعْلِ (ابن شعبه، تحف العقول، ص۴۷۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

... بنا بر این اگر کسی گوید: پس آیا خداوند تا بنده‌ای را نیازماید از آینده‌اش باخبر نمی‌شود؟ گوئیم: آری، او پیش از وقوع عمل بر آینده ایشان واقف است، و این همان آیه است که فرموده: وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ: «و اگر [به دنیا] بازگردانده شوند بی‌گمان بدان چه از آن نهی شده‌اند بازگردند»، و جز این نیست که آنان را امتحان کند تا ایشان را به عدالت خود آگاه سازد، و بعد از ارتکاب کار زشت جز با حجّت و برهان عذابشان نکند (برگرفته از ترجمهٔ جعفری، ص ۴۴۷)

همچنین امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند:

... وَ أَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ- لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، فَإِنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ خَلْقَهُ لِيَبْلُوَهُمْ بِتَكْلِيفِ طَاعَتِهِ وَ عِبَادَتِهِ لَا عَلَى سَبِيلِ الِامْتِحَانِ وَ التَّجْرِبَةِ لِأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ عَلِيماً بِكُلِّ شَيْءٍ (صدوق، توحید، ص۳۲۰)

و اما قول خدای عز و جل لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا پس بدرستی که آن جناب عزّوجلّ خلق خود را آفرید تا ایشان را به تکلیف طاعت و عبادتش بیازماید نه بر سبیل امتحان و تجربه زیرا که آن جناب پیوسته به هر چیزی دانا بوده. (ترجمه نقل از: اسرار توحید، ص ۳۶۸)

تحقّق علم به فعل اختیاری دیگران، در برخی افراد بشر

علم پیشین به فعل اختیاری دیگران و اِخبار از آن، علاوه بر اینکه در خصوص خدای متعال ثابت و قطعی است، برای برخی افراد بشری – که مهمترین آن‌ها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام هستند- نیز وجود داشته، و در بسیاری موارد، صدق این پیش بینی‌ها نیز، در تاریخ به ثبت رسیده است.

علم به عاقبتی که تک‌تک افراد، برای خود رقم خواهند زد

یکی از موارد مهم، علم اهل بیت علیهم‌السلام به عاقبت افراد است. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که اسامی تمام اهل بهشت و جهنم تا روز قیامت با اسم پدران و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

قبیله‌هایشان نزد من است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله النَّاسَ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى قَابِضاً عَلَى كَفِّهِ، ثُمَّ قَالَ: أَ تَدْرُونَ أَيُّهَا النَّاسُ مَا فِي كَفِّي؟ قَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ: فِيهَا أَسْمَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَسْمَاءُ آبَائِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ الشِّمَالَ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ أَ تَدْرُونَ مَا فِي كَفِّي؟ قَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ: أَسْمَاءُ أَهْلِ النَّارِ وَ أَسْمَاءُ آبَائِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ قَالَ: حَكَمَ اللَّهُ وَ عَدَلَ، حَكَمَ اللَّهُ وَ عَدَلَ، فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۴۴)

امام صادق علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای مردم خطبه خواند، و سپس دست راست خود را مشت بسته بلند کردند، و فرمودند: ای مردم! می‌دانید در مشت من چیست؟ گفتند: خدا و پیغمبرش داناترند. فرمود: در آنست نامهای اهل بهشت و نامهای پدران و قبایل آنها تا روز قیامت، سپس دست چپش را بلند کرد و فرمود: ای مردم! می‌دانید در این مشتم چیست؟ گفتند: خدا و پیغمبرش داناترند، فرمود: نامهای دوزخیان و نامهای پدران و قبایل آنهاست تا روز قیامت، سپس فرمود: خدا حکم فرموده و عدالت نموده، خدا حکم فرموده و عدالت نموده، گروهی در بهشت و گروهی در دوزخند. (برگرفته از ترجمه مصطفوی؛ ج ۲؛ ص۳۳۱)

جالب است که پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ادامه، دو بار بر عدالت خدای متعال تأکید می‌کنند. روشن است که خداوند متعال، بر اساس عدالت خویش، هرگز کسی را مجبور به جهنم رفتن نمی‌کند. پس او انجام محرمات را برای آنان تثبیت نمی‌کند تا از این طریق به گناهکاری‌شان علم پیدا کند، بلکه اینان به سوء اختیار خویش جهنمی می‌شوند. اما چگونه ممکن است که کسی به طور دقیق بداند که این افراد مشخص – که حتی برخی هنوز پا به دنیا هم نگذاشته‌اند– اختیاراً، تسلیم حق نمی‌گردند و دوزخی‌اند؟ تمام این افراد در همان شرایط، می‌توانسته‌اند حق‌پذیر بوده، خود را از مهلکه به در ببرند، اما از قرنها قبل، برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، روشن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

است که چنین انتخابی نخواهند کرد، بلکه سرکشی کرده، دوزخ را بر خواهند گزید. آیا چنین علم جزئیِ سابقی نسبت به فعل اختیاریِ دیگران، برای ما که علوم عادیِ بشری داریم، ممکن است؟!

خبر دادن از ظلم‌های امّت، نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام

مطلب دیگری که فراوان و از سوی شیعه و سنی نقل شده است، خبر دادن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از شهادت امام حسین علیه‌السلام به دست امّت است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: أَرْسَلَ [رسول‌الله] إِلَى فَاطِمَةَ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُنِي بِمَوْلُودٍ يُولَدُ لَكِ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ... (کافی/۱/۴۶۴)

آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله هم چنین از ضربتی که شقی‌ترین افراد در ماه مبارک رمضان، بر امیر المؤمنین علیه‌السلام- در حال نمازِ ایشان- وارد می‌کند، و محاسن‌شان را به خون خضاب می‌کند، خبر داده‌اند.

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم‌السلام فِي خُطْبَةِ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فِي فَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ علیه‌السلام فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَبْكِي لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَ أَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَ قَدِ انْبَعَثَ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ شَقِيقُ عَاقِرِ نَاقَةِ ثَمُودَ فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ (بحار/۴۲/۱۹۰)

همچنین در کتاب بصائرالدرجات نقل شده که امیر المؤمنین علیه‌السلام ابن ملجم را به عنوان قاتل خویش، به اصحاب خود، معرفی کردند. عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: دَخَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُلْجَمٍ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام فِي وَفْدِ مِصْرَ الَّذِي أَوْفَدَهُمْ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ ره وَ مَعَهُ كِتَابُ الْوَفْدِ قَالَ فَلَمَّا مَرَّ بِاسْمِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُلْجَمٍ قَالَ أَنْتَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ لَعَنَ اللَّهُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ ... فَلَمَّا وَلَّى قَالَ إِذَا سَرَكُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَى قَاتِلِي فَانْظُرُوا إِلَى هَذَا. (بصائر/۱/۸۸)

اما چگونه می‌شود که بی‌شمار افعال اختیاری که از آغاز حکومت یزید تا واقعهٔ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

کربلا صورت پذیرفت و به شهادت امام حسین علیه‌السلام انجامید، همگی دقیقاً انجام شود و دست به دست هم بدهد و این امت از روی اختیار- و در عین اینکه می‌توانست چنین جنایتی نکند- آن گرامی را به شهادت برسانند؟ آیا یزید نمی‌توانست از اخذ بیعت از سیدالشهداء علیه‌السلام صرف‌نظر کند؟ آیا عمر سعد نمی‌توانست مُلک ری را رها کند و به جنگ امام علیه‌السلام نرود؟ آیا مردم کوفه نمی‌توانستند حضرت مسلم سلام الله علیه را یاری کنند و کار را به واقعهٔ کربلا نرسانند؟ و هزاران «آیا»ی دیگر در اینجا مطرح است که پاسخ همگی مثبت بوده و می‌توانسته به اختیار افراد، به نحوی دیگر صورت پذیرد.

حال این سؤال به طور جدی مطرح می‌شود که وقتی ممکن است یک یا چند انتخاب فاعل مختار، تمام واقعه را تغییر دهد، چگونه می‌شود از سال‌ها قبل دانست و خبر داد و پیش‌بینی کرد که محصول هزاران انتخاب مختلف – که هیچ کدام از آن‌ها، تا قبل از وقوعشان، هرگز قابل رصد شدن نیستند، دقیقاً شهادت آن حضرت به دست امت خواهد بود؟

همین سؤالها در مورد شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز قابل طرح است. چگونه می‌توان دقیقاً گفت که ابن ملجم به جنایتی با این جزئیات دست خواهد زد، در حالی‌که می‌تواند این کار را نکند؟ به نظر می‌رسد هر چه بیشتر در خصوص این سؤالها فکر و تأمل کنیم، جز حیرت، چیزی بر ما افزوده نمی‌شود و این واقعیت آشکارتر می‌شود که تا آنجا که ما از علم بهره داریم و می‌فهمیم و درک می‌کنیم، هرگونه پیش‌بینی، فرع بر نوعی ثبوت معلوم است تا بتوان آن را کشف کرد. اگر امری که در آینده می‌خواهد رخ دهد، در همان شرایط بتواند به گونه‌ای دیگر نیز باشد، به هیچ نحوی نمی‌توان آن را به تور علوم بشری در آورد. پس این تأملات ما را به این نتیجه سوق می‌دهد که ورای هر آنچه ما از علم و دانش در خود

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

داریم و می‌شناسیم، علمی وجود دارد که از سنخ علوم ما نیست و کیفیت آن را نمی‌شناسیم، امّا اصل وجود آن، غیر قابل انکار است.

پیش‌بینی‌های امیرالمؤمنین علیه السلام از افعال اختیاری

یک دسته از پیش‌بینی‌های مشهوری که جزئیات زیادی هم در آن لحاظ شده و تطبیق آن با واقع نیز در تاریخ ثبت شده، بلاها و مصائبی است که از طرف حکام جور، به یاران امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است. ذکر برخی از این موارد در بحث حاضر، مناسب است. در طول مطالعهٔ این جریانات، همواره باید از خود پرسید که آیا آنچه از افعال اختیاری دیگران در این اَخبار، ذکر شده و به وقوع پیوسته است، با علوم شناخته شدهٔ ما، قابل دسترسی است؟

یک نمونه مهم از این موارد، پیش‌بینی شهادت میثم تمار سلام الله علیه است که در منابع مختلف نقل شده است. مرحوم شیخ مفید(ره) در کتاب «الارشاد» آورده‌اند:

... روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: همانا تو پس از من گرفتار خواهی شد و به دار آویخته شوی و حربه به تو خواهند زد، و چون سومین روز (به دار کشیدنت) شود، از سوراخ‌های بینی و دهانت خون باز شود که ریشت را رنگین نماید، پس چشم به راه آن خضاب (و رنگین شدن) باش. و به در خانهٔ عمرو بن حُرَیث به دار آویخته خواهی شد، و تو دهمین نفری که در آنجا به دار آویخته شوند و چوب تو (که بر آن به دارت زنند) کوتاه‌تر از آنان است، و از ایشان به وضوخانه نزدیک‌تر خواهی بود. برو تا آن درخت خرمایی که بر تنه آن به دار کشیده شوی به تو نشان دهم، (او را آورده) و نشانش داد. و میثم تا بود به پای آن درخت می‌آمد و نماز می‌خواند و می‌گفت: چه فرخنده درختی هستی، من برای تو آفریده شده‌ام، و تو به خاطر من خوراک داده شوی. ... راوی گوید: میثم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

گاهی که عمرو بن حُرَیث را دیدار می‌کرد، به او می‌گفت: همانا من همسایه تو خواهم شد، با من حق همسایگی را خوب به جای آور. عمرو می‌گفت: آیا اراده داری خانه ابن مسعود یا خانه ابن حکیم (که در همسایگی او بود) خریداری کنی؟ و نمی‌دانست مقصود میثم چیست! و میثم در همان سالی که او را کشتند حج بجا آورد، و (در مدینه) به خانه ام سلمهٔ رفت، ام سلمهٔ به او گفت: تو کیستی؟ گفت: من میثم هستم، گفت: بخدا سوگند چه بسیار رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را یاد می‌کرد، و سفارش تو را در نیمه‌های شب به علی علیه السلام می‌فرمود. ... پس ام سلمهٔ عطری طلبید و محاسن میثم را خوشبو کرد و به او گفت: آگاه باش که بزودی این محاسن تو به خون رنگین خواهد شد.

پس میثم به کوفه آمد، عبیدالله بن زیاد دستور داد او را گرفته به نزدش آوردند، به عبیدالله گفتند: این مرد از نیکوکارترین مردمان (و نزدیکترین آنان) در نزد علی علیه السلام بود، گفت: وای بر شما این مرد عجمی (چنین بود)؟

گفته شد: آری! عبیدالله به او گفت: خدای تو کجاست؟ میثم گفت: در کمین هر ستمکاری است و تو یکی از ستمکاران هستی. پسر زیاد گفت: تو عجمی را این جرأت رسیده که هر چه خواهی بگویی! آقایت در باره کردار من نسبت به تو چه گفته است؟ گفت: به من خبر داده که تو مرا بر دار می‌کِشی و من دهمین نفر هستم و چوبی که مرا بر آن به دار زنی، کوچکتر از همه و به وضوخانه نزدیکتر است.

ابن زیاد گفت: هر آینه ما بر خلاف گفته او عمل خواهیم کرد. گفت: چگونه با او مخالفت کنی؟! به خدا سوگند آن حضرت به من خبر نداده است جز آنچه از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیده و او از جبرئیل و او از خدای تعالی خبر داده، و تو چگونه می‌توانی با اینان مخالفت کنی؟! و من آن جایی را که بر دار کشیده می‌شوم در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

کوفه می‌شناسم، و من نخستین مردی هستم که در اسلام دهانه بر دهانم زنند! پس عبیدالله او را با مختار بن ابی عبیدة به زندان افکند. میثم به او گفت: همانا تو آزاد خواهی شد و برای انتقام خون حسین علیه‌السلام خروج خواهی کرد و این مرد را که اکنون ما را می‌کشد نیز خواهی کشت.

(ابن زیاد پس از اندک زمانی تصمیم به کشتن هر دوی آنها گرفت و دستور داد هر دو را نزدش حاضر کنند.) چون مختار را آورد که بکشد، نامه‌رسان مخصوص از در رسید و نامه از یزید برای عبیدالله آورد که در آن نامه به او دستور داده بود مختار را آزاد کند. پس عبیدالله مختار را آزاد کرد و در باره میثم دستور داد او را زنده به دار کشند. ... چون او را بالای آن چوب به دار کشیدند، مردم بر در خانه عمرو بن حُرَیث، گرد او اجتماع کردند، عمرو گفت: به خدا سوگند به من می‌گفت: همانا من همسایه تو خواهم بود، و چون به دارش کشیدند به کنیزش دستور داد زیر آن چوب را آب و جارو کند و بخور (چون عود و اسفند و چیزهای خوشبوی دیگر) به او بدهد. میثم نیز شروع به بیان نمودن فضائل بنی‌هاشم کرد. پس به ابن زیاد خبر دادند این بنده عجمی شما را رسوا کرد. ابن زیاد گفت: دهنه به دهانش بزنید، و او اولین کسی بود که در دنیای اسلام دهانه بر او زدند. و کشته شدن میثم رحمة الله ده روز پیش از آمدن حسین بن علی علیه‌السلام به عراق بود، و چون سه روز از دار کشیدنش گذشت، حربه به میثم زدند و او تکبیر گفت و در آخر آن روز از بینی و دهانش خون سرازیر شد (و به شهادت رسید).

شیخ مفید، پس از نقل این جریان می‌گوید:

این از جمله اخبار غیبی است که از امیر المؤمنین علیه‌السلام رسیده و داستانش معروف است و گروه بسیاری از دانشمندان نقل کرده‌اند. (مفید، ارشاد، ج۱، ص ۳۲۳ . با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

استفاده از ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۳۲۳)

در این خبر، جزئیات جنایت ابن زیاد در حق میثم – که اغلب آن‌ها افعال اختیاری هستند– پیش‌بینی شده و به وقوع نیز پیوسته است. هم چنین میثم علاوه بر اطلاع از عاقبت کار خویش، از آنچه برای مختار اتفاق خواهد افتاد نیز مطلع بوده و به وی خبر داده است. فراموش نکنیم که در قیام مختار و پیروزیِ وی بر ابن زیاد، افعال اختیاریِ بسیاری دخیل بوده است که اگر هر کدام از آنها به گونه‌ای دیگر بود، چه بسا مختار در قیام خود، پیروز نمی‌شد. نکتهٔ مهمّ دیگر، بیانی است که میثم در خصوص منبع و منشأ علم خود از جریان شهادتش به ابن زیاد می‌گوید: «به خدا سوگند آن حضرت به من خبر نداده است جز آنچه از پیغمبرﷺ شنیده و او از جبرئیل و او از خدای تعالی خبر داده». خبری که میثم داشته، از علم‌هایِ زمینیِ بشریِ مخلوقی حاصل نشده است، بلکه آنچه امکان پیش‌بینیِ قطعیِ جنایت ابن زیاد را به او داده است، اِخبار خدای متعال می‌باشد، که از طریق اولیاء الهی به وی نیز رسیده است.

شیخ مفید جریان دیگری را نیز نقل می‌کند که برای دقت بیشتر بحث حاضر مفید است:

مردی به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده، گفت: ای امیر مؤمنان من از وادی القری گذشتم. دیدم خالد بن عرفطهٔ در آنجا مرده است، برای او آمرزش بخواه! امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بس کن که او نمرده است و نخواهد مرد تا اینکه سردار لشکر گمراهی شود که پرچم‌دار آن لشکر، حبیب بن حماز است. مردی از پای منبر برخاسته گفت: ای امیر مؤمنان به خدا من شیعه شما و دوست‌دار توام، فرمود: تو کیستی؟ گفت: من حبیب بن حمازم. فرمود: بترس از آنکه تو آن پرچم را به دست گیری، و به دست خواهی گرفت و از این در، آن پرچم را وارد

خواهی کرد- و با دست اشاره کرد به باب الفیل [در مسجد کوفه]- و چون امیر المؤمنین علیه‌السلام از دنیا رفت و پس از او حسن علیه‌السلام نیز از دنیا برفت و داستان امام حسین علیه‌السلام و نهضت آن بزرگوار پیش آمد، پسر زیاد- که از رحمت خدا دور باد- عمر بن سعد را برای جنگ با حسین علیه‌السلام فرستاد و خالد بن عرفطه را پیشرو سپاهش کرد، و حبیب بن حماز را پرچمدارش کرد، پس آن پرچم را گرفت تا اینکه از باب الفیل وارد مسجد (کوفه) شد.

شیخ مفید پس از نقل این جریان، در خصوص شهرت و اعتبار آن می‌گوید: این داستان نیز خبری است که گروه بسیاری نقل کرده‌اند و دانشمندان و راویان، انکار ننموده، و در میان مردم کوفه مشهور و آشکار است که دو تن نیست آن را منکر شده باشند. و این نیز در شمار معجزات آن حضرت علیه‌السلام است. (مفید، ارشاد، ج ۱ص ۳۲۹، برگرفته از سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱ ص ۳۳۰)

به نظر می‌رسد که همین مقدار، برای مروری بر اعتقادات اسلامی در مورد علم خدای متعال و علوم خاصی که در اختیار برخی بندگان قرار دارد، کافی است. هدف از ذکر نمونه‌های فوق، تأکید بر این مطلب بود که اگرچه تبیین نحوهٔ علم پیشین به فعل اختیاری دیگران برای ما بسیار مشکل و حتی ممتنع به نظر می‌رسد، اما علم خدای متعال به تمام افعال اختیاری و جزئیات آن، قابل انکار یا تساهل نیست. از این گذشته، نمونه‌های بیان شده از اخبار غیبی، که تطابق آن با واقع هم در تاریخ ثبت شده است، راه هر گونه شک و تردید نسبت به وجود چنین علمی را خواهد بست.

سخن پایانی

روندی که از ابتدای این مقاله در پیش گرفتیم، و مقایسه‌ای که بین پدیده‌های جبری و اختیاری انجام دادیم، ما را به این نقطهٔ معرفتی می‌رساند که پیش‌بینی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

حوادث غیر اختیاری و ضروری، با پیش‌بینی فعل اختیاری تفاوتی ریشه‌ای دارد. تمام علوم ما، محتاج نوعی ثبوت و تقرّرِ معلوم است. این تقرّر در حوادث جبری وجود دارد، امّا در خصوص فعل اختیاری، به هیچ‌وجه قابل قبول نیست؛ چرا که تقرّرِ قبل از انجام، با ذات اختیاری بودن، مناقض است. این «عدم ثبوت و تقرّر» است که علم به فعل اختیاریِ آیندهٔ دیگران را برای ما (با علومی که در خود داریم و می شناسیم) ممتنع کرده است. از اینجا می‌توان تعبیر کرد که علوم ما «محتاج و وابستهٔ به معلوم بوده»، به نوعی از آن «برخاسته» است.

شناختن این ریشه و خاستگاهِ عجز ما از پیش‌بینیِ فعل اختیاری از یک طرف، و آگاهیِ خداوند متعال از افعال اختیاریِ بندگان از طرف دیگر، ما را به این امر مهم رهنمون می‌شود که باید علم الهی را منزّه و مبرّا از «برخاستگی از معلوم» دانسته، و آن را به هیچ‌وجه، محتاجِ معلوم ندانیم. هر گونه نیاز علم به معلوم، امتناع علم به افعال اختیاری آینده را در پی خواهد داشت و لذا علم خداوند متعال را باید از این نیاز، منزّه دانست. این، تنها راه برون‌رفت از اشکال «علم پیشین الهی به فعل اختیاری بندگان» است. امّا تفصیل این پاسخ، و بررسی ابعاد مختلف آن، از گنجایش مقالهٔ حاضر خارج است و باید آن را به محل دیگری واگذاشت. امید است که در مقالاتی دیگر، این مهم، پیگیری و تبیین شود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول. قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۲. _____ ترجمه بهراد جعفری. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ش.

۳. صدوق، محمد بن علی. التوحید. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.

۴. _____ ترجمهٔ محمد علی اردکانی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.

۵. صفار، محمد بن حسن. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّدعلیهم‌السلام. قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۷. _____ ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹ش.

۸. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. تهران- قم: صدرا، ۱۳۷۷ش.

۹. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۰. مفید، محمد بن محمد نعمان. الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۱۱. _____ ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: اسلامیه، بی‌تا.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.8.7]